نگاه

پرداختن به کیفیت سیاست‌ها در بحران هویت بی‌معنی است

مراد راهداری
عضو هیأت علمی
دانشگاه پیام نور

● اندیشه و روش نهادگرایی در مطالعات اجتماعی -ازجمله در حوزه اقتصاد- با تکیه بر چگونگی ارزش‌ها و کارکرد اجتماعی آنها، به تحلیل رفتارها و سیاست‌ها و آثار برجای‌مانده، تلاش می‌کند تا وقایع مورد نظر، مانند رشد فساد مالی یا بی‌کاری پنهان و... را توضیح دهد. با این رویکرد علمی، تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... را بر مبنای تغییرات ارزش‌ها در گروه‌های مختلف جامعه و درجه تأثیرگذاری آنها را بر ساز و کار جامعه رصد می‌کند. این روش شناختی با بهره‌گیری از علوم مختلف مانند، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی علوم دینی که غیرتجربی تلقی می‌شوند (اما بی‌ارتباط و بی‌دادوستد با دیگر علوم نیست) و سایر علوم مرتبط دیگر، تلاش می‌کند تا تنها نظاره‌گر تغییرات نباشد، بلکه نقشی در مهندسی ارزش‌ها و تغییرات اجتماعی داشته باشد و از کج روی‌های احتمالی جلوگیری کند یا آن را تقلیل دهد و در صورت وقوع هر اندازه از آن، آثار سوءانحرافات را کاهش دهد.

باید توجه داشت که نهادگرایی یک روش‌شناسی است نه نحله فکری؛ در هر نحله‌ای باید تأثیر شرایط و ارزش‌هایش بر رفتارها تحلیل شود. فرضا در تحلیل بازار رقابتی، آیا اطلاعات کامل جاری بوده است؟ یا سهم بنگاه‌ها ذره‌ای بوده است؟ و ...؛ درباره نحله مقابل در تخصیص منابع، آیا برنامه‌پذیری رایج بوده است؟ آیا نوع برنامه با شرایط انطباق داشته است؟ و... همچنین درباره جاری‌سازی اقتصاد اسلامی، آیا الزامات بانکداری اسلامی جاری شده است تا در آن بستر این نوع بانکداری عملیاتی شود؟ از نگاه این روش‌شناسی محقق‌نشدن فرضا بانکداری اسلامی را باید در نبود تعهد لازم به مبانی دینی جست‌وجو کرد. ارزیابی اندازه تحقق عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی، جمهوری و اسلامیت در یک نظام اجتماعی نیز با چنین روشی قابل تبیین است.

با وجود آنکه در متون دینی ارزش‌های شکل‌دهی رفتارهای سالم و پسندیده تبیین شده‌اند، گاه در مقاطعی از زمان با بحران عملی‌سازی مواجه‌اند. جامعه با آفت‌هایی نظیر اختلاس، دروغ‌گوئی در ضمن تظاهر به پاکی و دین‌داری گرفتار می‌شود. اگرچه در کتاب خدا گفته شده: دروغ ممنوع، وَیلٌ لِّکلِّ أَفَّاکٍ أَثِیمٍ، دزدی ممنوع، وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَه فَاقْطَعُواْ أَیدِیهُمَاً، تجسس در کار دیگران و اختلال در روابط افراد ممنوع، لَا تَجَسَّسُوا وَلَا یغْتَب بَّعْضُکم بَعْضًا، و...؛ اما در عمل به این فرآمین و آموزه‌ها بی‌توجهی می‌شود! بدین‌سان جامعه در معرض بحران هویت قرار می‌گیرد. سؤالاتی در باره داشته‌ها و چه هستیم‌ها مطرح می‌شود؛ آنچه عمل می‌شود، هستیم و آنچه داریم، عوامل موجبه اعمال ماست؛ گاه همان ضد ارزش‌ها، سبب افعال ماست! برای آرمان‌ها گاه باید سراغ نداشته‌ها رفت! یا ارزش‌های مفقودشده!

در برخی از دولت‌های جوامع دینی، حتی در جامعه ما، در فضای ساختگی و ادعا به پایبندی به اصول ارزشی از ارزش‌ها عدول شده است. مانند پول جعلی که در صورت شباهت به اصل کارساز است، با تظاهر به دین‌داری و ارزش‌مداری، اعمال ناپسند را جاری ساختند! در شرایط ادعا به پاکی و مبارزه با فساد به دیگران اتهام فساد زدند؛ با ادعای عدالت‌محوری، تبعیض و فرصت‌جویی (رانت) و... را پیشه کردند و ثروت ملی را به یغما بردند. درآمد ارزی ۸۵۰ میلیارد دلاری عمدتا مفقودالاثر شده است! نگاه به آمار سازندگی به هیچ‌وجه قابل مقایسه با بیست درصد این درآمد نیز نیست! مثلا در هشت سالی که این درآمد محقق شده است، کلا ۹۰۰ کیلومتر جاده ساخته شده است که تقریبا معادل دو سال (یک چهارم) دولت قبل از این دوره بوده است! اعتبار مالی مسکن مهر غالبا با چاپ پول بوده است! درباره صنایع نفتی و وابسته نیز شرایط بحرانی‌تر است! کار در میدان‌های مشترک به تعطیلی گرایید! حداقل ۱۸ دکل نفتی مفقود شده است، معوقات بانکی از هفت هزار میلیارد تومان به ۷۷ هزار میلیارد تومان (۱۱ برابر) رسید و پس‌انداز مردم در بانک‌ها به خواص بی‌کفایت رسید! تخلفات مالی و بودجه‌ای دولت در این هشت سال طبق گزارش دیوان محاسبات به‌طور متوسط در سال، حدود دو هزار مورد گزارش شده است که معادل روزی ۱۰ تخلف در ایام کاری است. اختلاس سه‌هزارمیلیاردی و خرید سهام شرکت فولادی بدون پول! در مقایسه با تولید ناخالص داخلی کشور در جهان بی‌نظیر بوده است! ۲۵۰ نفر سهام عدالت ۴۵ میلیون نفر را بی‌خاصیت کردند. اینجا محل شرح این دسته رویدادها و ذکر آمارها نیست و از بیان ذکر بیشتر صرف نظر می‌شود. عجب اینجا بود که چنین دولتی با چنین عملکردی و در شرایط بحران‌سازی‌های مختلف، توسط کسان حقیقی یا حقوقی مورد حمایت قرار می‌گرفت!

ادامه در صفحه ۱۵

برگزاری نخستین همایش الگوی ایرانی توسعه، در سازمان عدالت و آزادی

مسئولان برای خواستن توسعه همگرا شوند

علیرضا پویانسب: نخستین همایش الگوی ایرانی توسعه با حضور محمد ستاری‌فر، علی سرزعیم و عبدالحسین ساسان برگزار شد. این همایش از دو جهت با دیگر همایش‌های هم‌سبک خود تفاوت داشت. اول اینکه یک حزب سیاسی برای اولین‌بار در کشور اقدام به برگزاری چنین همایشی کرده که در میان احزاب تاکنون دیده نشده است. دومین موضوع اما برگزاری این همایش به سبک همایش‌های برگزارشده در داووس است که به‌نظر می‌رسید، برگزارکنندگان آن در چنین چینشی، عمد و اصرار داشتند؛ دو سخنرانی و بعد میزگردی با حضور سه نفر از اقتصاددان‌ها. محمد ستاری‌فر، رئیس اسبق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و استراتژیست برنامه چشم‌انداز ۲۰ساله، ریشه دست‌نیافتن ایران به توسعه را سیاسی دانست و همگرایی میان مسئولان کشور برای توسعه‌خواهی را راهکار پنداشت. علی سرزعیم، مشاور مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری نیز از زاویه اقتصاد سیاسی به واکاوی توسعه‌نیافتگی ما ایرانیان پرداخت و خواستن اجزای حاکمیت و مسئولان سیاسی را شرط دست‌یابی به توسعه دانست. عبدالحسین ساسان، استاد بازنشسته اقتصاد دانشگاه اصفهان در میزگرد این همایش به دیگر اقتصاددانان اضافه شد و قدری با بررسی ریشه تاریخی توسعه‌نیافتگی، دلیل نرسیدن ایران به این هدف در دوره‌های تاریخی را، ضعف نهادی و بدنهادها در اقتصاد ایران دانست.

محمد ستاری‌فر:

مشکل توسعه در ایران سیاسی است

مباحث توسعه که امروز ذهن من و شما را درگیر خود کرده، سابقه‌ای ۲۰۰ساله دارد و توسعه پایدار و همه‌جانبه نیازمند ادبیات، فرهنگ، تاریخ، تمدن، نیروی انسانی، جغرافیا و... است که ایران همه آنها را یک‌جا دارد. در کنار آنها، این کشور از نظر کارشناس و نظریه‌پرداز نیز کمبودی ندارد. پس با همه این اوصاف مشکل توسعه ایران کجاست؟ به عقیده بنده مشکل توسعه ایران در عرصه سیاسی است که تحول و تکوین آن نسبت به دیگر عرصه‌ها عقب‌تر مانده و رشد نکرده است.

همگرایی میان تفکرات و کارشناسان دنیا در ۴ دهه گذشته باعث شده سرعت توسعه در جهان افزایش دوچندان داشته باشد و کشورها با همگرایی و قانونمندی توانسته‌اند، راه توسعه را بپیمایند و به نقطه فعلی برسند. امروز توسعه، تقلیدی یا وارداتی نیست و یک قانونمندی در همه مسیرهای جهان به وجود آمده است. اگر به تاریخ این کشور نگاه کنیم، قبل از انقلاب، هنگامی که تکنوکرات‌ها و دیوان‌سالارها توانستند با یکدیگر همگرایی پیدا کنند، اولا برنامه‌های توسعه‌ای نوشته شد، ثانیا کشور به سمت توسعه قابل‌قبولی حرکت کرد. شاید بتوان گفت در ۷۰ سال گذشته، هنگامی که با یک همگرایی اهداف سیاسی دو جناح موجود در ایران تأمین شده، رشد اقتصادی و توسعه به وجود آمده است. در سال‌های ۸۱ تا ۸۳ میان قوای کشور یک همگرایی وجود داشت و رشد اقتصادی کشور یک رشد تاریخی بود. من در آن زمان، هنگام ارائه گزارش به رهبری انقلاب، خواستار پایداری این رشد بودم و حتی اعتقاد داشتم رشد اقتصادی ۸.۴ درصدی برای کشور کم است، اما متأسفانه به دلیل نبود همگرایی در میان تفکرات سیاسی، باعث شد با رفتن دولت اصلاحات و مستقرشدن دولت بعدی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به عنوان شبکه اعصاب کشور منحل و تفکرات جدید بر برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای کشور حاکم شود. همین موضوع کار را به جایی رسانده است که امروز رشد اقتصادی نامناسبی داریم و حتی آرزویمان این شده است که به رشد شش‌درصدی و پایدار دست یابیم. باید از سیستم سیاسی تدبیر کشور پرسید؛ چرا کشورهایی مثل کره، سنگاپور و مالزی تا به این حد مسیر توسعه را طی کرده‌اند؟ مسئولان این ممالک اراده‌ای برای توسعه داشتند و برای این کار یک همگرایی در کشورهایشان ایجاد کردند. این در حالی است که ایران از معدود کشورهای جهان است که همه نهاده‌های توسعه را یک‌جا دارد، یعنی واقعیت تاریخی، واقعیت تمدنی، واقعیت مدنی، درآمد یا واقعیت اقتصادی و نهادهای توسعه را یک‌جا دارد، اما اینکه چرا از انقلاب مشروطه تاکنون، با وجود همه این واقعیت‌ها نتوانسته‌ایم توسعه داشته باشیم، یک سؤال اساسی است. ایران جزء اولین کشورهایی است که برنامه توسعه داشته، اما پیشرفتی در توسعه نداشته است. قطعا مشکل در این کشور سخت‌افزاری نیست چون خداوند، نفت با درآمد سرشار، تمدن، تاریخ و فرهنگ به کشور اعطا کرده است، مشکل این کشور، مشکل نرم‌افزاری است به همین دلیل است که هرگاه وفور درآمد ارزی داشته یا توانسته‌ایم خوب نفت بفروشیم، اقتصاد بدی داشته‌ایم، چون وضع نرم‌افزاری کشورمان خراب بوده است. ما تاکنون روی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که شبکه اعصاب کشور محسوب می‌شود، هیچ سرمایه‌گذاری‌ای نکرده‌ایم، راز و رمز توسعه، چگونگی کار کارشناسی است. در ۳۵ سال گذشته هرجا حداقل همگرایی در این کشور ایجاد شده، وضع کشور در بهترین حالت قرار داشته است، اما زمانی که ارز به‌وفور یافت شده، اما همگرایی وجود نداشته، کشور هیچ پیشرفتی نداشته است. متأسفانه ما در نظام‌سازی داخل کشور دچار اُتیسم شده‌ایم. اگر می‌بینیم در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ بالاترین نرخ رشد اقتصادی یعنی ۸.۴ درصد را به دست می‌آوریم، به دلیل همگرایی بوده که در آن زمان به وجود آمده است.اقتصاد، پول و سرمایه‌گذار باهوش هستند و دعواهای حیدری نعمتی که در کشور به وجود می‌آید را زیر نظر دارند. نبود همگرایی بین دستگاه‌ها، گره توسعه محسوب می‌شود. واگرایی در این کشور همواره ترمز پیشرفت را کشیده و نگذاشته است ما به سرمنزل مقصود برسیم.

ریشه‌ها و بدنه اجتماعی، ایجاد فضا و نهادهای قانونی، فضای اجرا و حکمروایی از الزامات توسعه‌یافتگی هستند. توسعه امری است که به تک‌تک افراد جامعه مربوط می‌شود و این نیست که همه بنشینند تا حاکمیت برای توسعه تصمیم بگیرد. توسعه امروز کشورهای اروپایی به دلیل تفکر توسعه‌ای است که از انقلاب صنعتی تاکنون در ذهن تک‌تک افراد این جوامع ایجاد شده است.

ایرانی‌ها وقتی می‌توانند به توسعه برسند که بین باورها، فرهنگ‌ها و تلقی‌ها و سنت‌های خود و حوزه اجتماعی و سیاسی بتوانند تعادل ایجاد کنند و مردم حق خود نسبت به جامعه و حق دولت نسبت به خود و بالعکس را بدانند و هرگاه هماهنگی در جامعه مدنی ایجاد شد، آن‌گاه می‌توان ادعا کرد به دنبال توسعه هستیم.

از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ ایران، مالزی، تایوان و کره در یک مسیر قرار داشتند؛ یعنی دولت بر بازار احاطه داشته و این‌چنین اقتصادی بر این کشورها حاکم بوده است، اما پس از سال ۱۹۸۰ و پس از جنگ، همه کشورهای هم‌رده ایران به این نتیجه رسیدند که باید بازار، بالادست اقتصاد باشد و دولت فقط بسترسازی کند، اما متأسفانه در ایران این اتفاق رخ نداد و اقتصاد بیش از گذشته به سمت دولتی‌شدن رفت و بسترسازی توسعه ضعیف و ضعیف‌تر شد. تا جایی که امروز ۸۰ درصد اقتصاد ایران توسط دولت کنترل می‌شود و تا زمانی که کنترل دولت از روی اقتصاد برداشته نشود، هیچ دولت و هیچ شخصی به عنوان رئیس‌جمهور نمی‌تواند وضع اقتصاد را بهبود بخشد.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

رئیس‌جمهور فرمانده اقتصاد مقاومتی شد

● **مهر:** معاون اول رئیس‌جمهور، فرمانده اصلی اقتصاد مقاومتی را رئیس‌جمهور اعلام کرد و گفت: پنج رویکرد حاکم بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باید در برنامه ششم توسعه مدنظر قرار گیرد. اسحاق جهانگیری در جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی اظهار کرد: این یک فرصت طلایی است که در اختیار دولت قرار گرفته تا بتوانیم با عملیاتی‌کردن برنامه‌های اقتصاد مقاومتی، ساختار و نظام اقتصادی کشور را اصلاح و متحول کنیم. وی تصریح کرد: فرماندهی اصلی ستاد بر عهده ریاست‌جمهوری است که بر روند پیشبرد برنامه‌های اقتصادی کشور و به‌طورکلی بر نحوه اجرائی‌شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به طور خاص و جدی نظارت دارند. جهانگیری گفت: باید سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و به‌خصوص پنج رویکرد اصلی حاکم بر این سیاست‌ها که شامل عدالت‌بنیانی، مردمی‌بودن، دانش‌بنیانی، درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصاد کشور می‌شود، در برنامه ششم توسعه مدنظر قرار گیرد.

تجمع سپرده‌گذاران مقابل مؤسسه ثامن‌الحجج

● **ایلنا:** صبح دیروز تعدادی از سپرده‌گذاران مؤسسه مالی و اعتباری ثامن‌الحجج در محل ساختمان مرکزی این مؤسسه برای چندمین‌بار تجمع کردند. این سپرده‌گذاران چهارشنبه ۲۷ آبان‌ماه نیز مقابل بانک مرکزی تجمع کرده بودند و یکی از شعارهای آنها این بود که چرا مؤسسه ثامن‌الحجج پول ما را پس نمی‌دهد؟ در این میان ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی، هفته گذشته در حاشیه مراسمی درباره مؤسسه ثامن‌الحجج و مشکلاتی که برای سپرده‌گذاران این مؤسسه به وجود آمده است، اظهار کرد: این مؤسسه هم‌اکنون با همکاری‌ای که بین چند دستگاه از جمله بانک مرکزی وجود دارد، فکر می‌کنیم به‌تدریج مسائلش حل خواهد شد و سپرده‌گذاران می‌توانند پس‌انداز خود را بگیرند.

مدیرعامل بانک سپه منصوب شد

● **شادا:** وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس مجمع عمومی بانک‌ها طی حکمی محمدکاظم چقازردی را به سمت رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل بانک سپه منصوب کرد.

گزارش روز

مدیر تلگرامی که ماهی ۳۰ میلیون درآمد دارد

مهر: «رضا راد» با نام مستعار «منصور قیامت» یکی از همان خوره‌های اینترنت است که از روزی که پایش به فضای مجازی باز شد، توانست از پشت کامپیوترنشینی درآمد کسب کند. حالا بعد از ۱۰ سال و در ۳۱سالگی مدیریت کانال گیزمیز را با حدود ۷۰۰ هزار عضو برعهده دارد و هر روز ساعت‌ها برای به‌روزرسانی کانالش وقت صرف می‌کند. او متولد تیر ۱۳۶۳ در شهر قم است. کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دارد و از ۱۰ سال پیش که پایش به اینترنت و فضای مجازی باز شده با نام «منصور قیامت» فعالیت می‌کند: «روزهای اول دانشگاه آهنگی از خواننده‌ای به همین نام می‌خواندم. از همان موقع بچه‌های دانشگاه این اسم را رویم گذاشتند. اوایل کارم در اینترنت هم وقتی می‌خواستم عضو یک انجمن شوم دنبال یک نام کاربری دهان‌پرکن می‌گشتم که خاص هم باشد. برای همین کلمه «قیامت» را انتخاب کردم. بعد هم که وبلاگ زدم از همین اسم استفاده کردم تا اینکه به همین نام مشهور شدم».

درآمد هر تبلیغ ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزارتومان

قیامت درآمد ماهانه‌اش از تبلیغات اینترنتی را لو نمی‌دهد و فقط به دادن نرخ پست‌های تبلیغاتی در کانالش اشاره می‌کند: «درآمد را به زبان خودم نمی‌گویم اما حدودش را همه می‌دانند. تبلیغات در گیزمیز بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان است که تا سه هفته آینده رزو شده است. معمولا هم روزی دو تا تبلیغ بیشتر نمی‌گذارم. چون کیفیت کانال برایم خیلی مهم است. بنابراین یکی از تبلیغات را شب قبل از خواب و دیگری را هم ظهر قبل از ناهار می‌گذارم. در طول روز هم حدود ۳۰ تماس برای گذاشتن تبلیغ دارم که شاید جز دو تماس بقیه را جواب نمی‌دهم. با اینکه آقای مدیر درآمدش را لو نمی‌دهد با یک حساب سرانگشتی می‌توان حدس زد که باید ماهانه بالای ۳۰ میلیون تومان درآمد داشته باشد.

کانال یک میلیون نفری حدود یک میلیارد تومان می‌ارزد

در حین مصاحبه که منصور قیامت روبه‌رویمان نشسته است در کانال تلگرامی‌اش پیام‌های جدیدی اضافه می‌شود و این موضوع سؤال ما می‌شود: «من از قبل یک‌سری از پست‌ها را آماده می‌کنم و به‌تازگی همکار جدیدی به کار اضافه کرده‌ام که در غیاب من پست‌ها را در گیزمیز منتشر می‌کند. شما اگر یک نصفه روز از رقابت جا بمانی دیگر جا ماندی و بعد فایده‌ای ندارد. برخی کلی برای عضو جمع‌کردن پول‌های سنگین خرج می‌کنند. اما من به این کارها اعتقادی ندارم. من خبر دارم که شبکه‌های ماهواره‌ای یک‌میلیارد تومان پول می‌گیرند و یک کانال با یک میلیون عضو به شما می‌فروشند. پست‌هایم همه خانوادگی است و بیشتر عضوهایم هم به‌خاطر کپی و فوروارد پست‌هایم اضافه شده‌اند. اواسط رشدمان خیلی بالا بود و به روزی ۱۴ هزار نفر رسیده بود، اما الان به هفت هزار نفر در روز تقریبا رسیده‌ایم.»

پلیس فتا حواسش به همه‌چیز نیست

آقای قیامت می‌گوید دوست دارد به عنوان یکی از مدیران پرطرفدار تلگرام با مسئولان وزارت ارتباطات تعامل داشته باشد و به گفته خودش اگر کاری از دستش برمی‌آید، انجام دهد اما تاکنون هیچ کدام از مسئولان سراغش نیامده‌اند: «به نظر من باید این تعامل وجود داشته باشد. اتفاقا من از پلیس فتا و فیلترینگ واقعا تقاضا می‌کنم که روی کانال‌های تلگرام و کارهای ما نظارت کنند. اگر جایی مشکلی پیش آمد، تذکر بدهند. ما هم حتما به آن عمل می‌کنیم. این‌طوری نباشد که بعد وارد عمل شوند. اتفاقا برخی کانال‌ها خیلی مستهجن هستند که باید فیلتر شوند. به نظر من متأسفانه پلیس فتا حواسش به همه چیز نیست».

تلگرام فیلتر شود عین خیالم نیست

با این همه فشار کاری و تبلیغات و درآمد چند ۱۰میلیونی آقای قیامت یک ماشین «لیفان ۶۲» و یک گوشی «هوآوی» دارد که در طول مصاحبه فقط به خواست ما یک‌بار از جیبش بیرون می‌آورد. قیامت اعتراف می‌کند جز کارهای اینترنتی کار دیگری بلد نیست ولی از فیلترشدن تلگرام هم هیچ ابایی ندارد: «من پیش از ورود به تلگرام داشتم از دنیای اینترنت می‌رفتم، اما کانال، دقیقا همان چیزی بود که می‌خواستم؛ برای همین پابند شدم. خیلی‌ها به من می‌گویند اگر تلگرام فیلتر شود نمی‌ترسی؟ چون کانالت حیف است. من همیشه گفتم اگر فیلتر شد، حداقل یک خوبی دارد که به زندگی‌مان می‌رسیم».